■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamonline.ir www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamOnline.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳
■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

شنبه ۱۱ دی ۱۴۰۰ | ۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۶۱۱۹ | Saturday - January 1 , 2022

حدیث روز: الفردوس

پیامبر(ص): هر کس فرزندش به سن ازدواج برسد و توان ازدواج دادن او را داشته باشد [ولی این کار را نکند] و از فرزندش لغزشی سر زند، گناهش به گردن اوست.

واحه: سعدی

نه باغ ماند و نه بستان که سرو قامت تو
برست و ولوله در باغ و بوستان انداخت

امروز در تاریخ:

- آغاز سال ۲۰۲۲ میلادی
- روز ملی فلسطین (۱۹۶۵م)
- تشکیل کمیساریای عالی آوارگان سازمان ملل متحد (۱۹۵۱م)
- رسمیت یافتن یورو به عنوان پول واحد اروپا (۲۰۰۲م)
- واگذاری امتیاز تأسیس بانک شاهی ایران به رویتر سرمایه‌دار انگلیسی(۱۳۰۶ ق)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۲/۰۸ — غروب آفتاب: ۱۷/۰۲
اذان مغرب: ۱۷/۲۲ — نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۳
اذان صبح (فردا): ۵/۴۵ — طلوع خورشید(فردا): ۷/۱۴

وضعیت آب و هوای امروز

تهران	اهواز	اردبیل	اصفهان	رشت	سنندج	کرمانشاه	کیش
۴ / ۱۱	۱۰ / ۲۰	۲- / ۵	۶ / ۱۵	۲- / ۹	۲- / ۹	۱ / ۷	۲۱ / ۲۴

حکمت ۲۲۶: نهج‌البلاغه

مرگ چیزی است که برطرف نمودن آن ممکن نبوده و دفع آن غیرمقدور است.

روایتی از حال و هوای شهر دمشق و مردمی که به زندگی بازگشته‌اند

اینجا حاج قاسم فقط یک اسم نیست

مهدی توکلیان
عکاس روزنامه‌نگار

سوریه امروز با سوریه چند سال پیش فرق کرده است. زندگی جریان پیدا کرده. کسب‌وکارها رونق گرفته و حال مردم خوب است. از داعش خبری نیست اما جای گلوله‌هایش چرا. توی خیابان‌های دمشق و حلب همین‌که می‌فهمند ما ایرانی هستیم لبخند می‌زنند و می‌گویند: حاج قاسم... انگار هر ایرانی مساوی است با یک حاج قاسم. حاج قاسم برای مردم سوریه یک اسم نیست. جزئی از دستور زبان مردم است. حاج قاسم فقط یک اسم نیست چون معادل معنایی‌اش هرجا فرق می‌کند. توی بازار یک معنا دارد، توی کافه و اداره و ایستگاه تاکسی یک معنا و توی حرم حضرت زینب(س) یک معنای دیگر. اینجا دمشق است، در شب سال نو میلادی، سه روز مانده به پرواز سردار و من که خیلی‌ها صدیق العزیز صدایم می‌کنند، جای پای حاج قاسم را همه‌جا می‌بینم.

روی تابلو نوشته است، مقام و مرقد السید سکینه، با گلدسته‌هایی که در هجوم گلوله و موشک تروریست‌های داعش همچنان ایستاده‌اند.
مثل کربلا، مثل روز عاشورا، مثل مجلس یزید، مثل خرابه شام، اهل‌بیت رسول ا... زخم خوردند اما ایستادند. مثل گلدسته‌های حرم، هرچند زخم‌خورده.

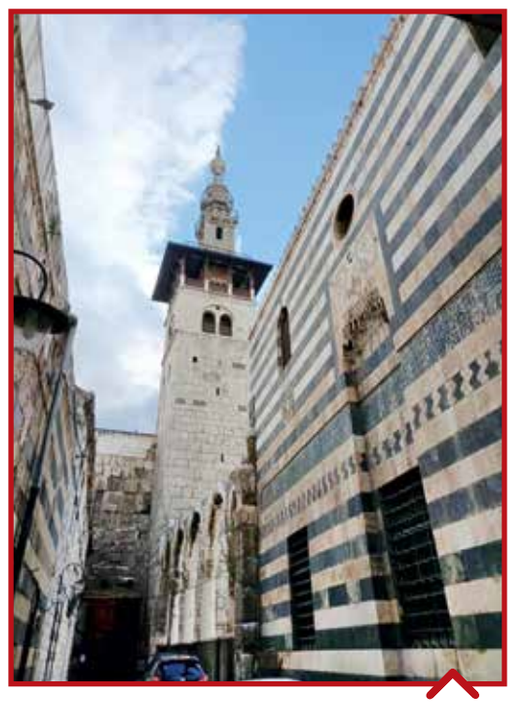

در مسیر زیارت مقام بانو سیده رقیه سلام... علیها و گذر از بازار حمیدیه و عبور از دروازه ساعت و رد شدن از کاخ اموی روضه مصوری است که روایت غربت و مظلومیت شیعه است.

آفتاب رو به غروب است. چراغ‌های حرم یکی‌یکی روشن می‌شوند. از دور گنبد حرم بانو افق نگاهت را پر می‌کند. پرچم سرخ زینبی برافراشته است. دختری برای مادر روضه گرفته است. اینجا عجیب بوی فاطمیه می‌دهد.

نگاهت که به ساعت حرم حضرت زینب سلام... علیها در ۱۳ کیلومتری دمشق می‌افتد ساعت به‌وقت شهادت سردار است؛ داغ دل شعله‌ور می‌شود. ساعت مقام سیده زینب سلام... علیها؛ ساعت حوالی عروج و پرواز مرد میدان را در میان حرم و در غربت زیارت زنده می‌کند.

میوه و سبزی تازه آورده بودند. هوا خنک بود و سرما زیر پوست می‌دوید. کامیون‌ها یکی‌یکی بار تازه خالی می‌کنند؛ چشمم که به میوه‌های تازه افتاد یاد حرف‌های ابراهیم افتادم، از بچه‌های مدافع حرم که می‌گفت روزگاری اینجا روزها می‌جنگیدیم و شب‌ها با تکه‌ای نان و پیاله‌ای آب تجدیدقوا می‌کردیم؛ طعم و رنگ میوه تازه آرزوی مردم گرفتار در محاصره داعش بود.

درخت‌های کاج و ریسه‌های رنگی و شکلات‌های کادویی چهره فروشگاه‌های شهر دمشق را تغییر داده است. سال نو میلادی رسیده است و خانواده‌های مسیحی در تدارک مهمانی عید هستند. عکسی از ویترین یکی از فروشگاه‌های بزرگ دمشق می‌گیرم و سر برگرداندم، زن میانسال مسیحی که برای بچه‌هایش خرید کرده است انگار بو برده ایرانی‌ام با ادبیات شکسته‌بسته انگلیسی-عربی چندجمله‌ای می‌گوید. در میان عبارت‌هایش همین یک جمله را خوب می‌فهمم . We have everything from Haj Qasim . هرچه داریم از حاج قاسم داریم.

زندگی با طعم غذا معنا پیدا می‌کند. از خیابان‌های دمشق که عبور می‌کند بوی غذای عربی مستت می‌کند. شاورما... خیابان‌های جنگ‌زده کم‌کم به طعم زندگی دارند خو می‌گیرند. همان خیابان‌هایی که تا پیش از این به‌جای زندگی، گلوله را تجربه می‌کردند.

جنگ، جنگ است. فرقی نمی‌کند در خرمشهر باشد یا در حلب و دمشق، جای گلوله شاید روزی از روی دیوارها برداشته شود اما از ذهن آدم‌ها پاک نمی‌شود. گلوله‌ها می‌نشینند توی ذهنت، توی ناخداگاهت، یکجایی تاریک و مبهم و سیاه مثل یک زخم تازه بسته شده که با بهانه‌ای سر باز می‌کند. گلوله که به روحت نشست تاریخ‌مصرف ندارد، هرروز تازه است.

شهر با موشک‌ها و گلوله‌های داعش شخم زده شده است. خانه‌ها فروریخته، زمین سوخته، هوا هنوز بوی باروت می‌دهد و تک‌درختی تنها هنوز ایستاده است. سرو سوری به حاج قاسم اقتدا کرده است.

توی دمشق بازار که می‌بینی دلت می‌ریزد. نه اینکه دست خودت باشد، انگار کاروان اسرای کربلا پیش چشمت از میان بازار دارند عبور می‌کنند، انگار یکی دارد سینی خرما بین اهل کاروان می‌چرخاند و بانو خرماها را از مشت بچه‌ها بیرون می‌کشد و فریاد می‌زند صدقه بر اهل‌بیت پیغمبر حرام است. بازار شام روضه متواتر است.

شام سخت‌ترین روضه اهل‌بیت علیهم‌السلام است «الشام الشام...»و شهریار شهر عشق از زینب و شهر دمشق گفته بود و سنگینی این فضا هم چنان در هر نقطه از شهر فریاد می‌زند.

عشق شیرین‌ترین بیماری دنیاست، نیازی به درمان ندارد. عشق به زیارت را از باب الصغیر در منطقه زینبیه آغاز می‌کنیم قبرستانی قدیمی با قبور افرادی به بلندای تاریخ چون بلال حبشی و حضرت فضه خادمه حضرت زهرای مرضیه سلام ا... علیها تا مرقد عبدا... همسر حضرت زینب سلام ا... علیها و مضجع برخی امامزادگان که این گلدسته سفید نمادی از این آرامستان قدیمی است.